

چند سطری هم در باب بازی در زمین بی طرف

پس چه شد وعده ات آقای تاج؟



حساب کن شنبه است. روز خروجی رفتن مجله. یک هفته سنگین را پشت سر گذاشتی و روز شنبه به عنوان سنگین ترین روز کاری هفته جدید را پشت سر گذاشته ای و ساعت ۱۹ و ۱۹ دقیقه، درست وقتی که کار روزانه و روزنامه تمام شده و می خواهی بنشینی حد فاصل تایید شدن صفحات و رفتن به سمت خانه، یک ساعتی در دفتر روزنامه برای خودت فیلم و سریال ببینی و حالش را ببری که یادت بیفتد از اینکه ای دل غافل! مطلب دنیای ورزش را نوشته ای! چقدر بد است؟ چقدر شمای نویسنده مثلا حرفه ای زیر سوال می روی؟ چقدر اعضای تحریریه و صفحه آرایی و سردبیر حق دارند گریبان شما را بگیرند که آقای محترم! روز خروجی و معلق بازی؟ مگر می شود؟ مگر امکان دارد؟ شما ادعای حرفه ای گری داری! شما از عالم و آدم انتقاد می کنی اما کار ساده خودت را انجام نمی دهی؟ درست است. اگر بنده روزنامه نگار چنین اشتباهی را انجام دهم و بعد هم بگویم: «چیزی نشده! قول داده بودم تا ساعت بیست مطلب را برسانم و حالا هم همین کار را می کنم» قابل قبول نیست! چرا؟ چون مطلب، شتاب زده، بی بنیان و بدون آمادگی قبلی است و با مطلبی که از چند روز قبل گوشه ذهنت گذاشته باشی که قشنگ آفتاب بخورد و آماده شود، فرق دارد.

حالا اینها را نوشتیم برای چه؟ اینها را نوشتیم برای اینکه این اتفاق برای بنده رخ داده. اینها را نوشتیم برای اینکه گریزی بزنم به قصه قرعه کشی لیگ قهرمانان امسال و همچنین دستور اجرایی کنفدراسیون فوتبال آسیا برای اینکه تیم های ایران و عربستان در زمین بی طرف با هم بازی کنند! اگر هیات اجرایی ایرانی در جلسه قبل از این تصمیم گیری، وظایفش را درست انجام داده، پس چرا ای اف سی بر خلاف ادعای طرف ایرانی رای به بازی بی طرف داده؟ اگر کارش را درست انجام نداده، پس این همه ادعا و تهدید تو خالی چه بوده؟ سوال اصلی اینجاست که چرا آقای تاج اعلام کرده که اگر ایران و عربستان در زمین بی طرف بازی کنند، تیم های ایرانی از لیگ قهرمانان کنار می کشند؟ چرا حالا که اعلام شده که قرار نیست ایران و عربستان میزبان هم باشند، آقای تاج کناره گیری تیم های ایرانی را اعلام نمی کند؟ یعنی چه؟ ببینید یکجایی کار دست ما هست و یکجایی کار دست ما نیست. باید باور کنیم و اعتراف نماییم که دار و دسته شیخ سلمان بحرینی بازی را به سمتی می برند که خودشان دوست دارند و رفقای عربستانی دوست دارند نه به سمتی که ما دوست داشته باشیم.

پشت بند همچنین تفکری است که آدم منطقی، اعلام می کند که ما تلاشمان را انجام دادیم و منتظر نتایج هستیم نه اینکه بیانیه بدهیم و اعلام پیروزی کنیم و بیست و چهار ساعت بعد مشخص شود که پیروزی ما به آن بزرگی که اعلام می شده نبوده! بعدا هم مشخص شود که ای دل غافل! اصلا پیروزی نبوده! تازه بعدش هم بیانیه بدهیم که اگر آنطوری که ما می گوییم نباشد از لیگ کنار می رویم که بعدش هم از لیگ کنار نرویم و علی کریمی در کاتالش به ریشمان بخندد! منتهی ما چه می دانیم؟ ما که حقوقمان مثل حضرات چند میلیونی نیست! ما که مثل حضرات پست های دولتی و حقوق های ابر کلان نداریم. ما خیلی هنر کنیم همین مطلب را به چاپ این شماره برسانیم. بازی کردن با عربستان در زمین بی طرف پیشکش! و تازه هفته قبل چه گفته بودیم؟ فقط مرگ و خوش باشی! پس زنده باد خوش باشی! زنده باد بازی کردن در عمان! درود بر بازی در زمین بی طرف! دم فدراسیون فوتبال و بیانیه هایشان گرم! ایول! ترکاندیدا!